

هو العزيز العليم

توحید

در شماره هفتم گفته شد مادیین و الهیین معتقد باصل وجود - یا علت العلل میباشند و هر دو فرقه متفق اند که این عالم را مبدء و علتی است. لیکن در فهم حقیقه آن وجود و نحوه پیدایش آن اختلاف دارند (حقیقت مبدء از نظر مادیین) مادیین قائلند که بحقیقه مبدء رسیده ایم. و با مبادی و اصول علمی کشف کرده ایم که جز ماده (ذرات غیر مرئی که با هیچ آلتی قابل تجزیه نبوده لیکن از جمع و تفریق آنها عالم بوجود آمده است) چیزی اداره کننده عالم و کاینات نیست و معتقدند قوای منتشره و مدبره عالم در حقیقه اداره کننده جهان نیستند بلکه آن قوا تابع و مطیع ماده میباشند. (مبدء از نظر الهیین) الهیین میگویند: عالم موجود بوجود ازلی و ابدی و ارادی میباشد و ایان دارند که عالم مصنوع است و با دست قدرت صانعی بوجود آمده است. لیکن فهم حقیقه آن وجود مطلق و نامحدود برای بشر محدود، بشام جهات میسر نیست و بشر با قوای حسی و عقلی خود راهی بمعرفت حقیقه آن ذرات قدیم ندارد و برای هر یک (مادی و الهی) در این باب دلیل و برهانی میباشد که در کتب مبسوطه نقل شده است لیکن برای اینکه روح خوانندگان محترم ملول نگردد. سعی میکنم آراء و عقاید طرفین را بطور ایجاز و اختصار با بیان روشن ذکر نمایم تا فهم حقیقه امر و صحت و بطلان آن پس از داوری خرد و عقل معلوم گردد (تذکر) چون مبحث توحید بسیار دقیق و لطیف است و در سعادت بشر فوق العاده تاثیر دارد و بطور مسلم طلبعه روشن فکری و ریشه آزادی است باید در باره آن توجه خاص مبذول داشت، و فشار بیشتری بفکر و روح وارد آورد، تا دل بیک جهة روی نهاده از تذبذب و نفاق خلاص شود بالنتیجه نه کافر مطلق نه مسلمان تمام نباشیم بلکه با کافر مطلق یا مسلمان تمام باشیم (پاسکال چه میگوید؟) این عالم شهیر که یکی از مشاهیر دانشمندان بزرگ ریاضی و طبیعی و یکی از بزرگترین فلاسفه فرانسوی است میگوید یکی از مسائل بزرگ، بقاء روح در آینده است که اگر کسی از معرفت آن خود داری کند و بحل و کشف آن بی اعتناء باشد نمیتوان گفت بشر است و دارای احساسات، گفته پاسکال در موضوع خداشناسی هم بکار میرود. زیرا آن دو (بقاء روح و خداشناسی) دارای

يك ملاك ميباشند (عقیده انكار صانع در عصر حاضر) منكرين خداميگويند
ماده (غير ذی روح و ادارك) اداره كننده كائينات ميباشد و قواي فزيكي و
شيميايي و ميكانيكي فقط بمنزله خواص آن هستند. ماده از اثر دو حركت ، ايجاد
عالم نموده است يكي حركتي كه ازضود ماده برخاسته و ديگر حركت انتقالی
است كه از نقطه ای بنقطه ديگر منتقل ميشود و اين حركت بر طبق قوانينی است كه
ماده بدرجه اهميت آن پی برده است بنا بر این قواي منتشره مديره عالم را بحقیق
اداره كننده جهان نميدانند بلكه تابع و مطيع ماده ميدانند و معتقدند كه ماده ازلی
و ابدی بوده دارای خواص مخصوص بخود هست كه دائما با او ميباشند و معرف
و شخص آن هستند و ماده با اين كيفيت ايجاد كننده كائينات و مدير عالم تنهايی
ميباشد بيرون اين عقیده منكر خدای علیم و قادر گردیده اند

(مبارزه با حربه ماديين) چگون مانخذ براهين منكرين صانع ، حس
و تجربه ميباشد كه قبل بيان شد. مخالفين آنها (موحدين) هم از اين طريق وارد
ميدان مبارزه شده و براهين خود را از همين طريق اقامه مينمايند ؟

(نخستين خطای ماديين و تناقض گويي آنان) پيش از اينكه تحقيق
در عقیده ماديين شود و گفته هايشان را زير و زير نمايم ابتداء بزرگترين اشتباه و
خطای ماديين را كه مانع از اعتقاد خدای دانا شده بمرض شما ميرسانم تا مشت
نمونه خروار شود. ماديين می بنداوند كه اگر واجب الوجود و خدای دانای باشد
بايد دارای اراده قابل تغيير و تبديل بوده ، فاقد يك اراده كامل و ثابت ولايتغير باشد
و چون ديده ميشود كه هميشه يك قوانين ثابت در طبيعت وجود دارد پس حكم
ميكردد كه خدا نيست زيرا لزوم قانون طبيعت در صورت وجود خدا بايد از بين برود
كاميل فلاماريون اين خبط و اشتباه را از آنان نقل ميكنند و ميگويد اين خطا
باعث شده كه آنها بحقايق نرسند بلكه عقیده اوليستند و مخالفتی كه دكتور بخنجر
آلمانی و ملكوت بگفته ارستد کرده اند بيان ميكنند .

برای اينكه خوانندگان محترم از اين معمای طبيعيين اطلاع كامل حاصل كرد
و خطای فاحش آنانرا بدانند و كاملا روشن شوند عين عبارت مخالفت آميز دكتور
بخنجر و ملكوت را ذكر مينمايم و بيان خطای آنها را از نظر كاميل فلاماريون كه
بسيار نظر صائبي است بمرض ميرسانم تا معلوم شود كه ماديين در لب آب حيات
از تشنگی هلاك شدند و كافر بحق كشته اند و خطاهای ديگر و تناقضات بسياری كه
در كلمات آنها ميباشد ، در ضمن رد عقايد آنان بيان ميشود تا مردم ساده لوح
و جوانان بی تجربه و بی اطلاع از همه جا از شبهات آنان مغرور نشده دستخوش خيالات
واوهام و الفاظ بی معنی آنان نگردند و از طريق مستقيم فطرت منحرف نشوند
وما على الرسول الا البلاغ . (بقيه در شماره آينده)